

# خارج الفقہ

۴-۱۰-۱۴۰۳ فقه اکبر ۳

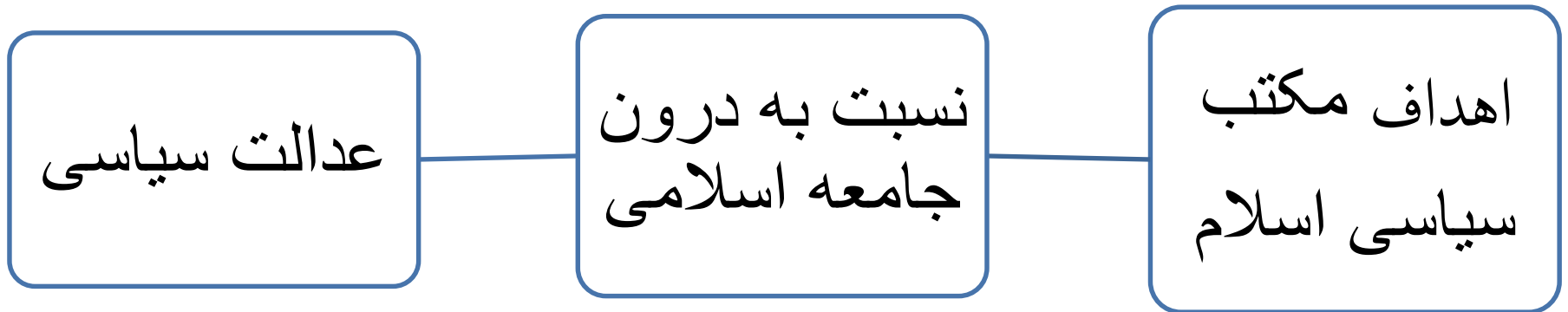
۴۵

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

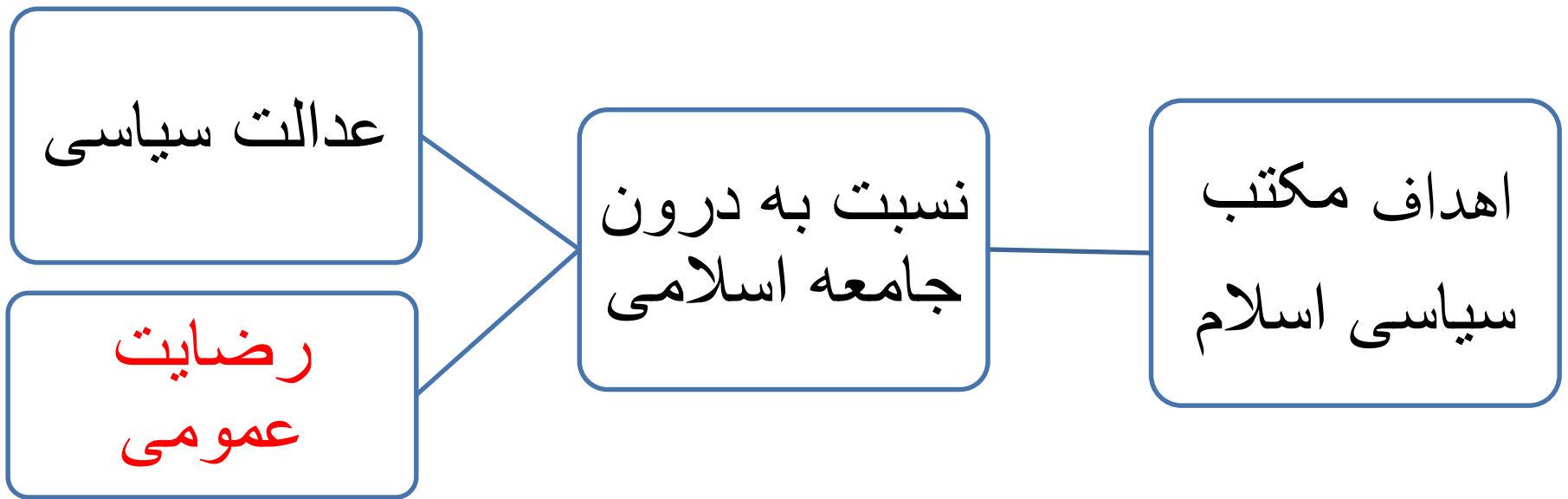
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

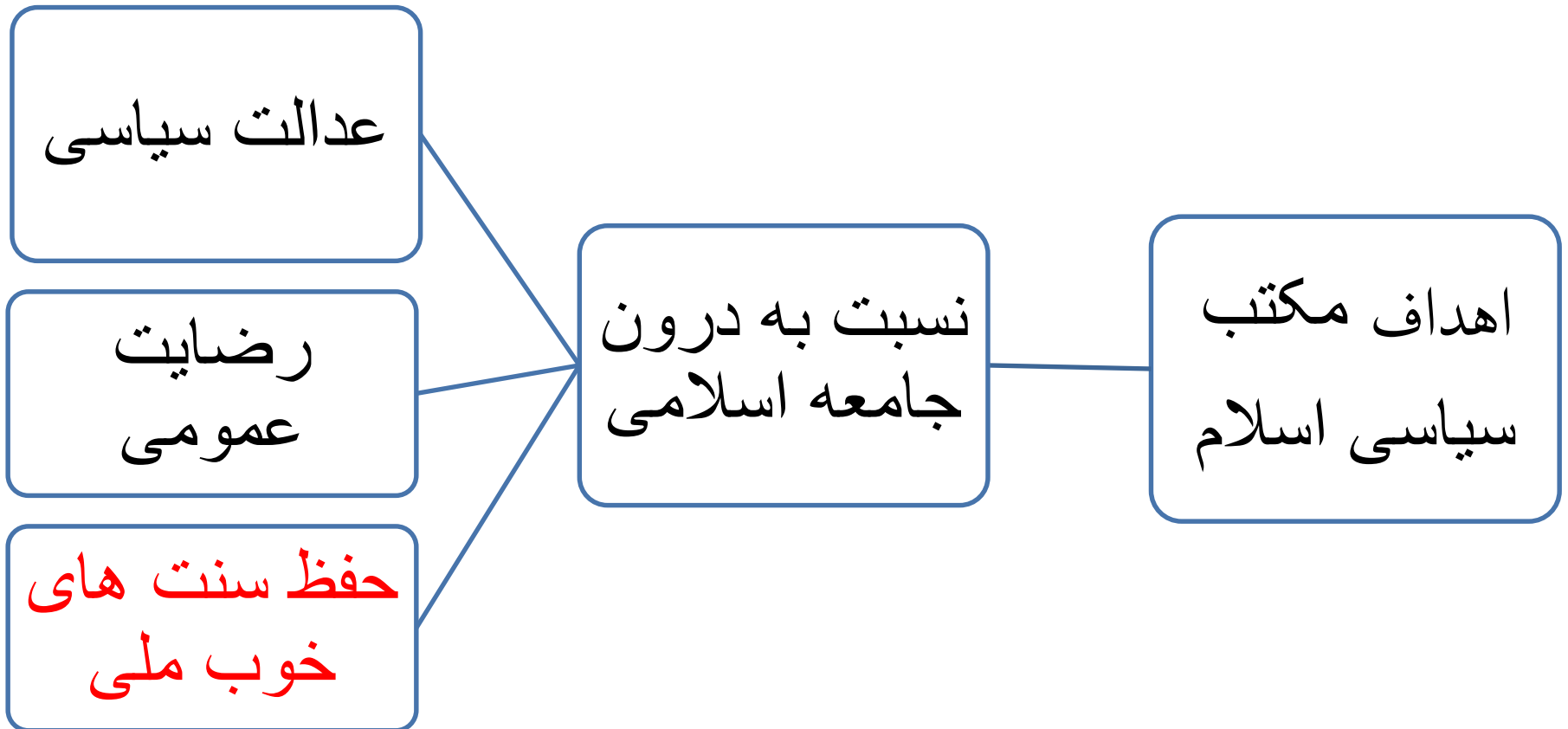
# اهداف مكتب سياسى اسلام



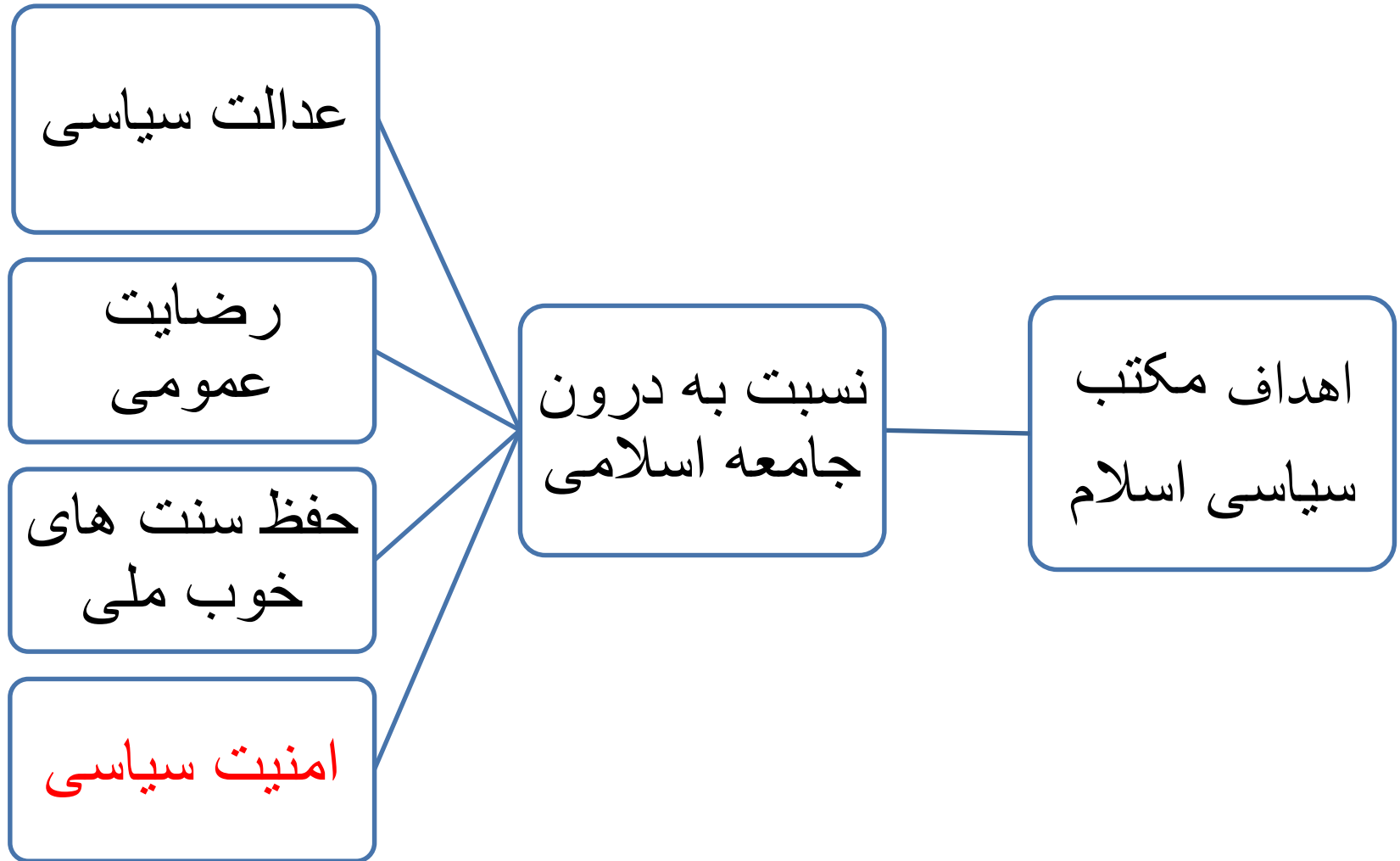
# اهداف مكتب سياسى اسلام



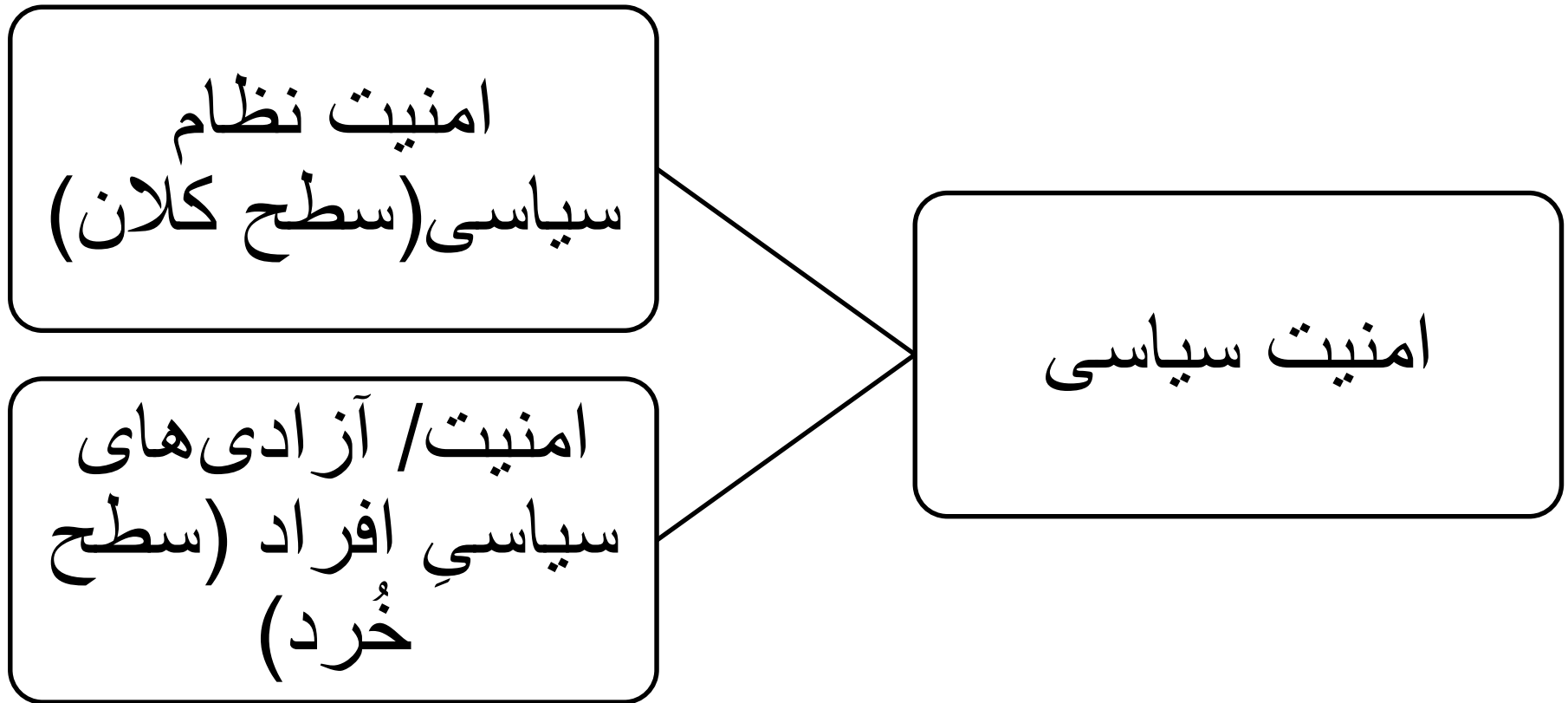
# اهداف مکتب سیاسی اسلام



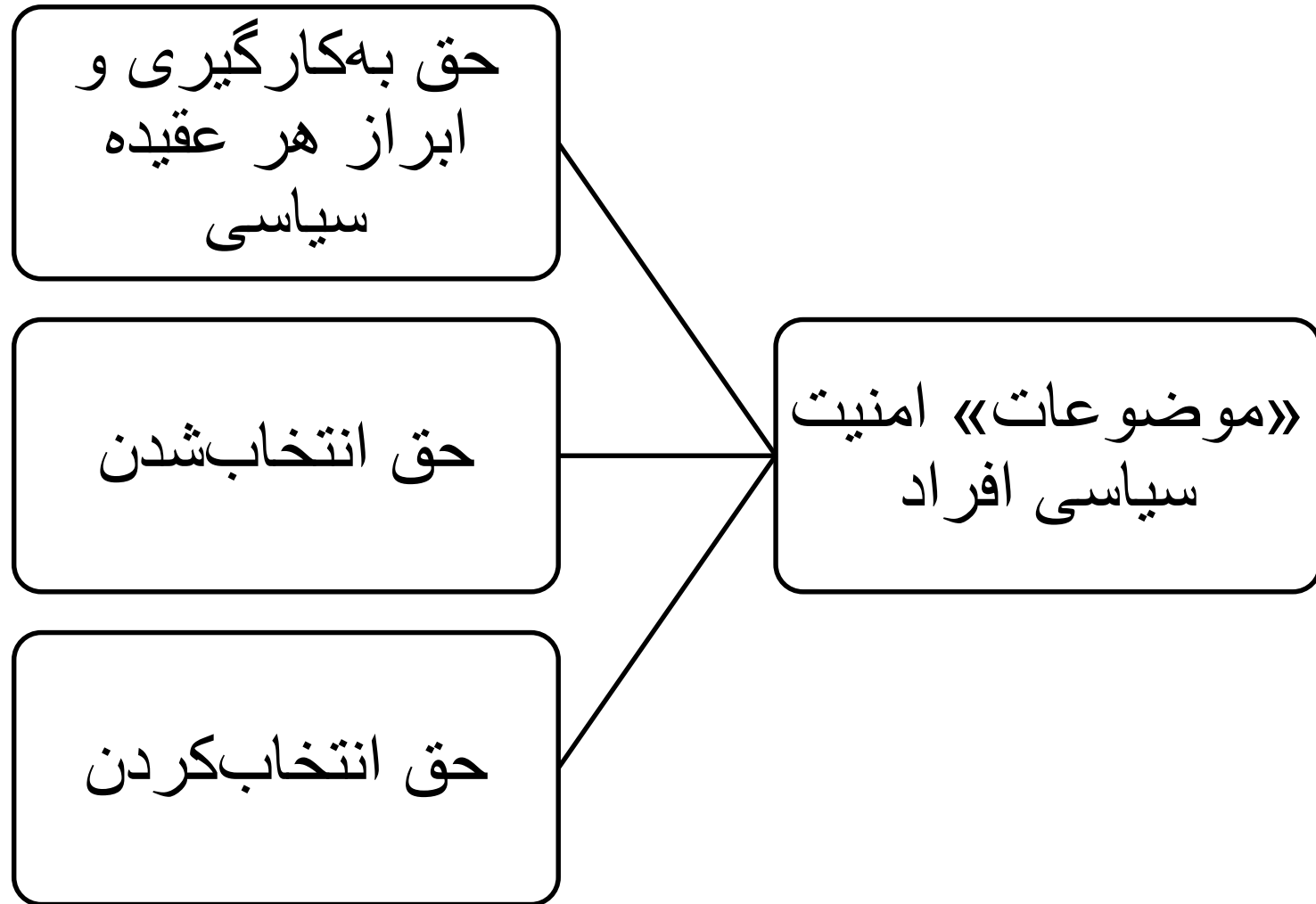
# اهداف مكتب سياسى اسلام



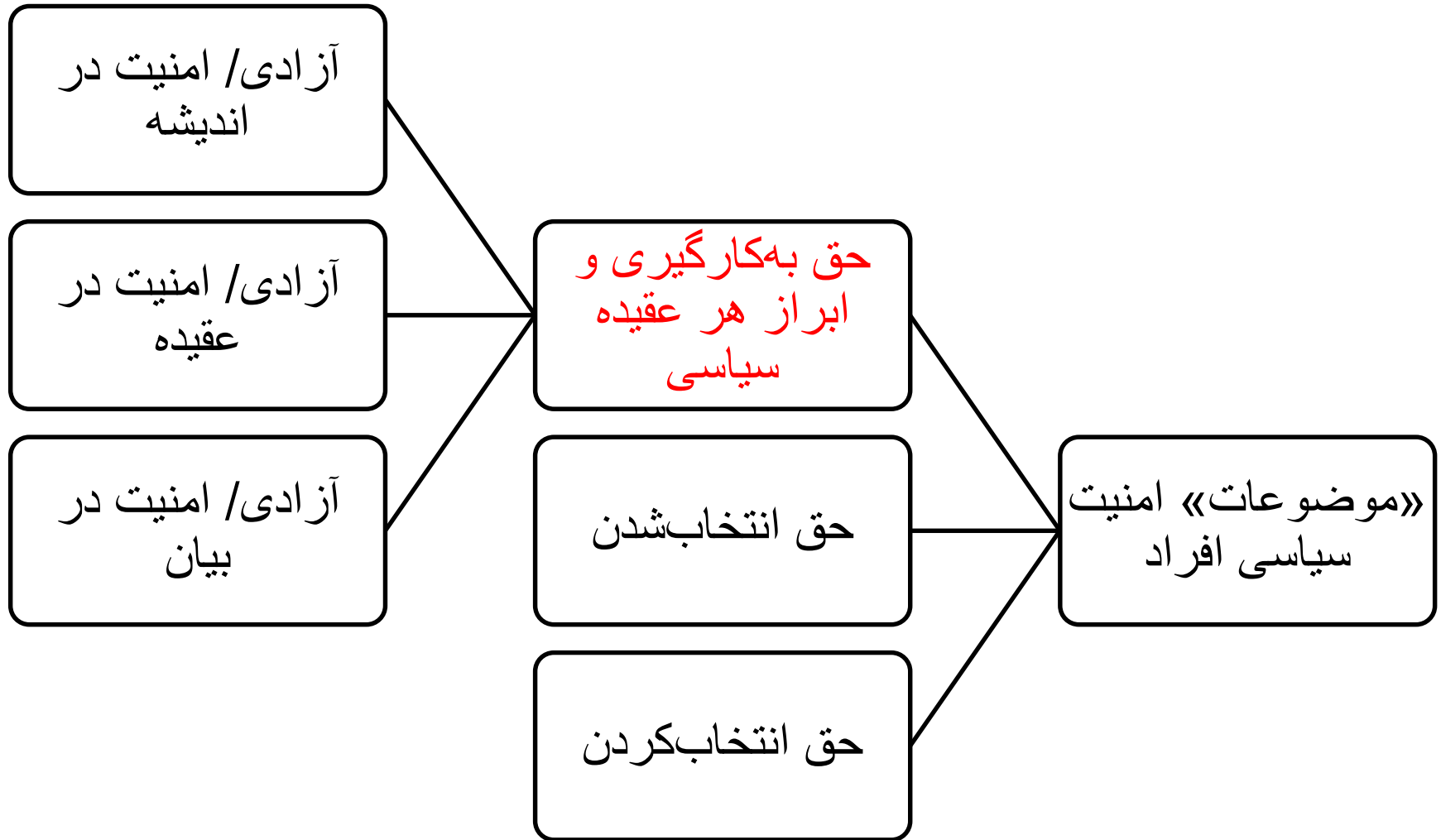
# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

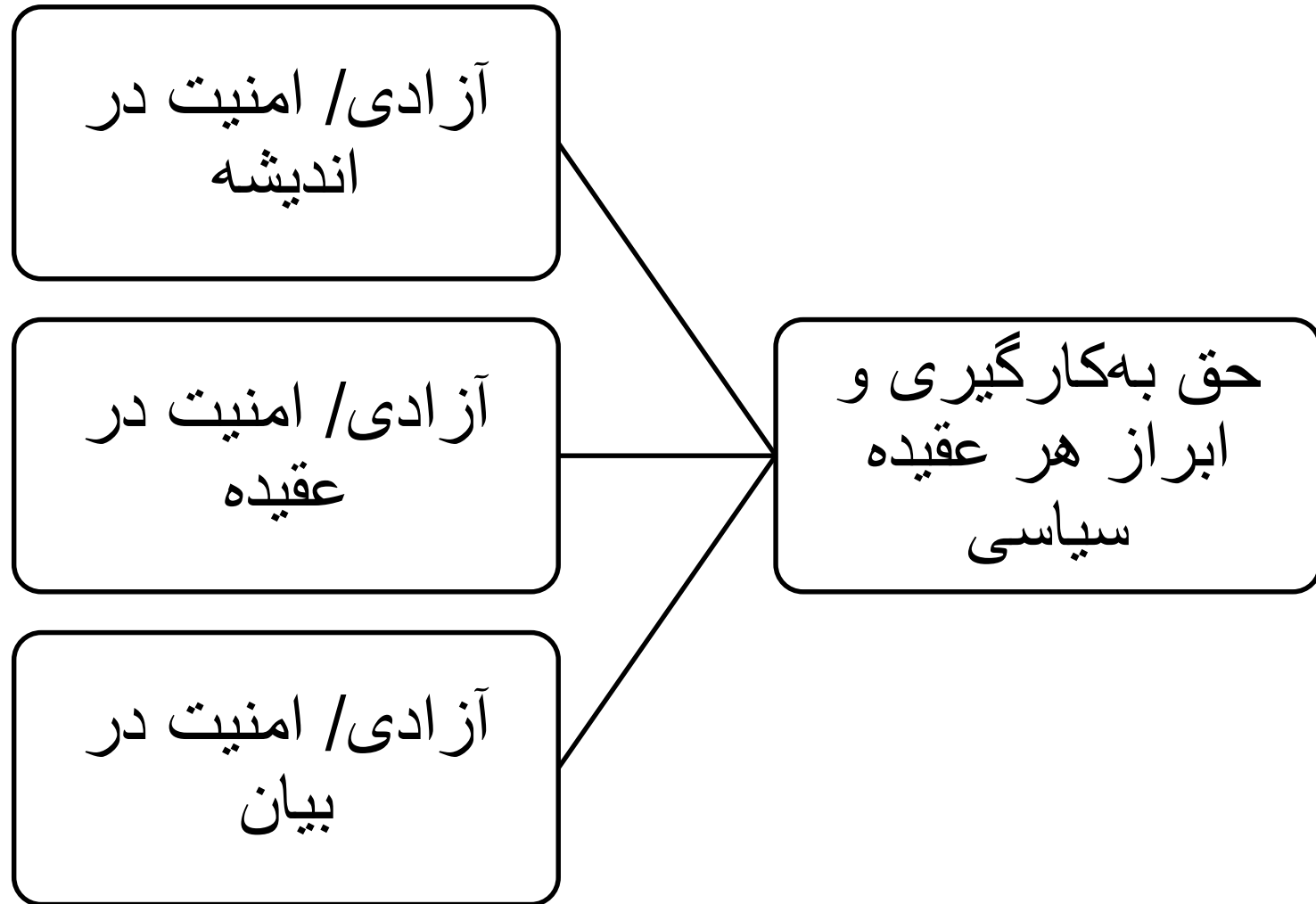


# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

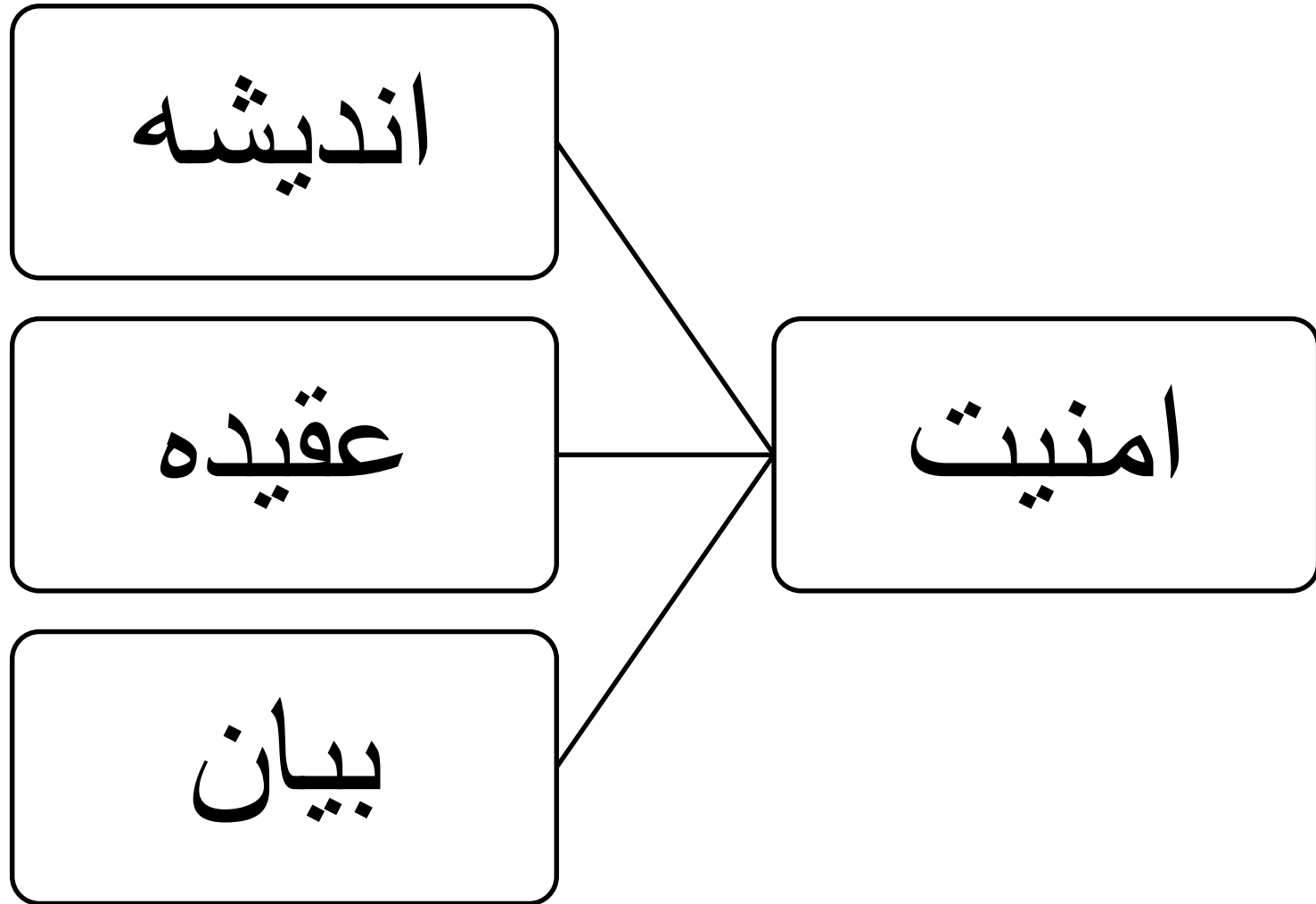




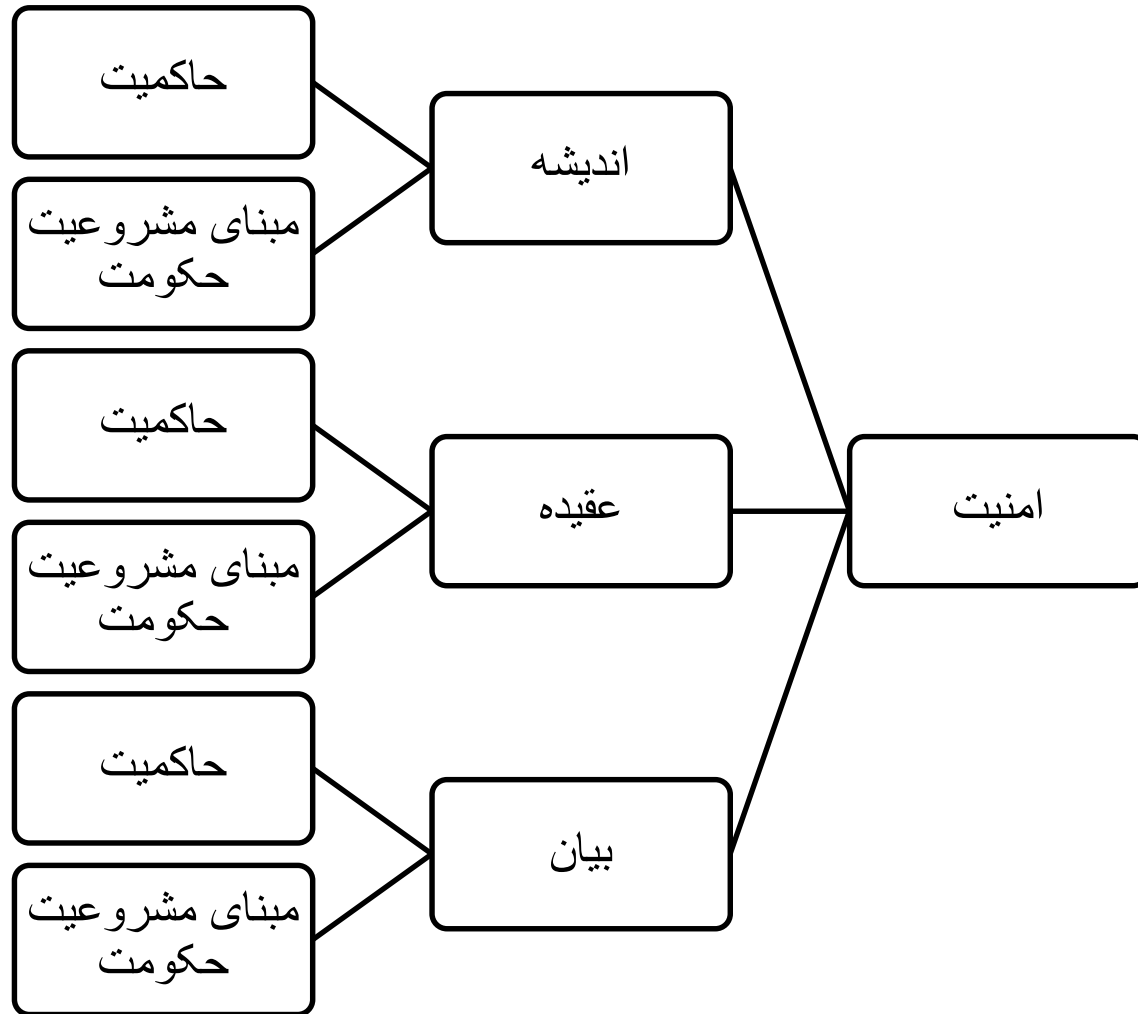
# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



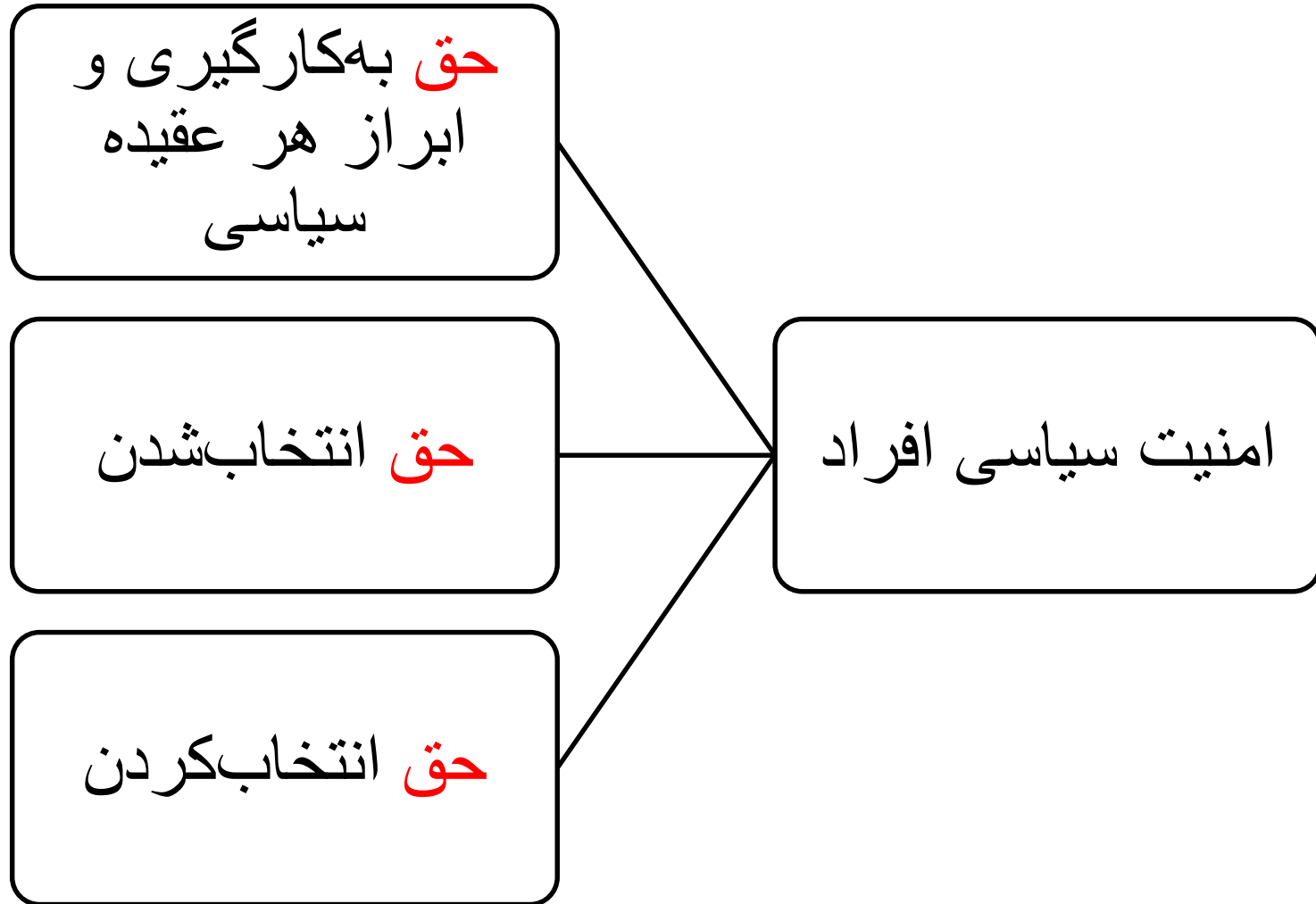
# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



حق یک مبنا است نه یک هدف

• حق یک امر پیشینی است، یعنی پیش از تحقق نظام باید پذیرفته شود. پس یک مبنا است نه یک هدف.

• نظام باید به گونه ای باشد که از این حق صیانت کند، مانند سایر حقوق مردم. این امر به معنای تحقق عدالت است که یک هدف در مکتب سیاسی اسلام است.

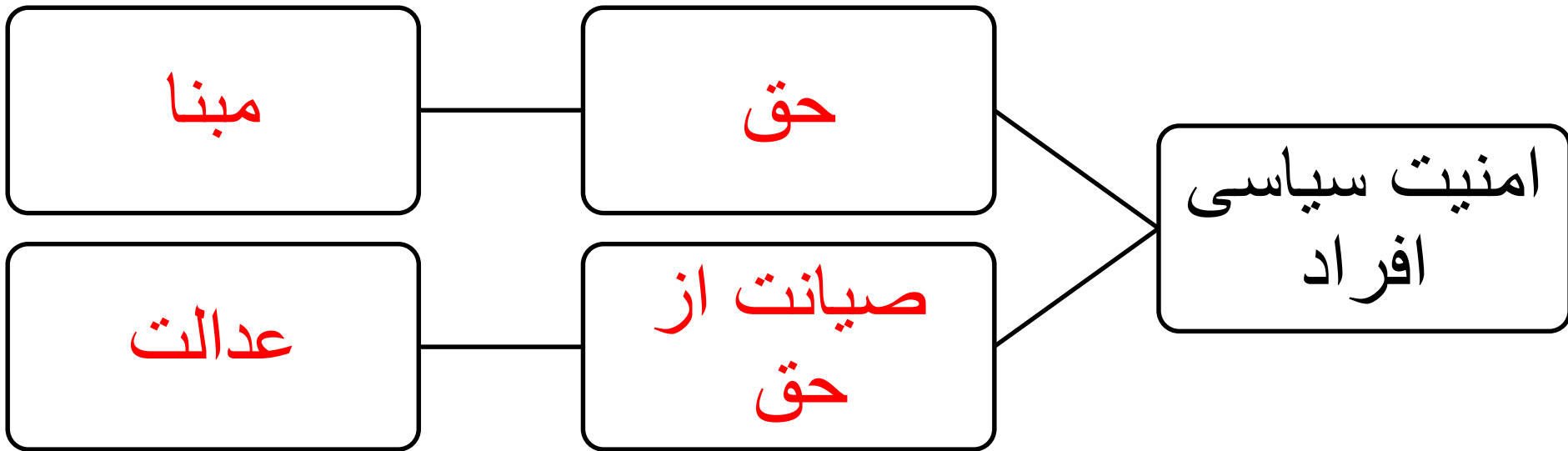
# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

حق

صیانت از  
حق

امنیت سیاسی  
افراد

# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

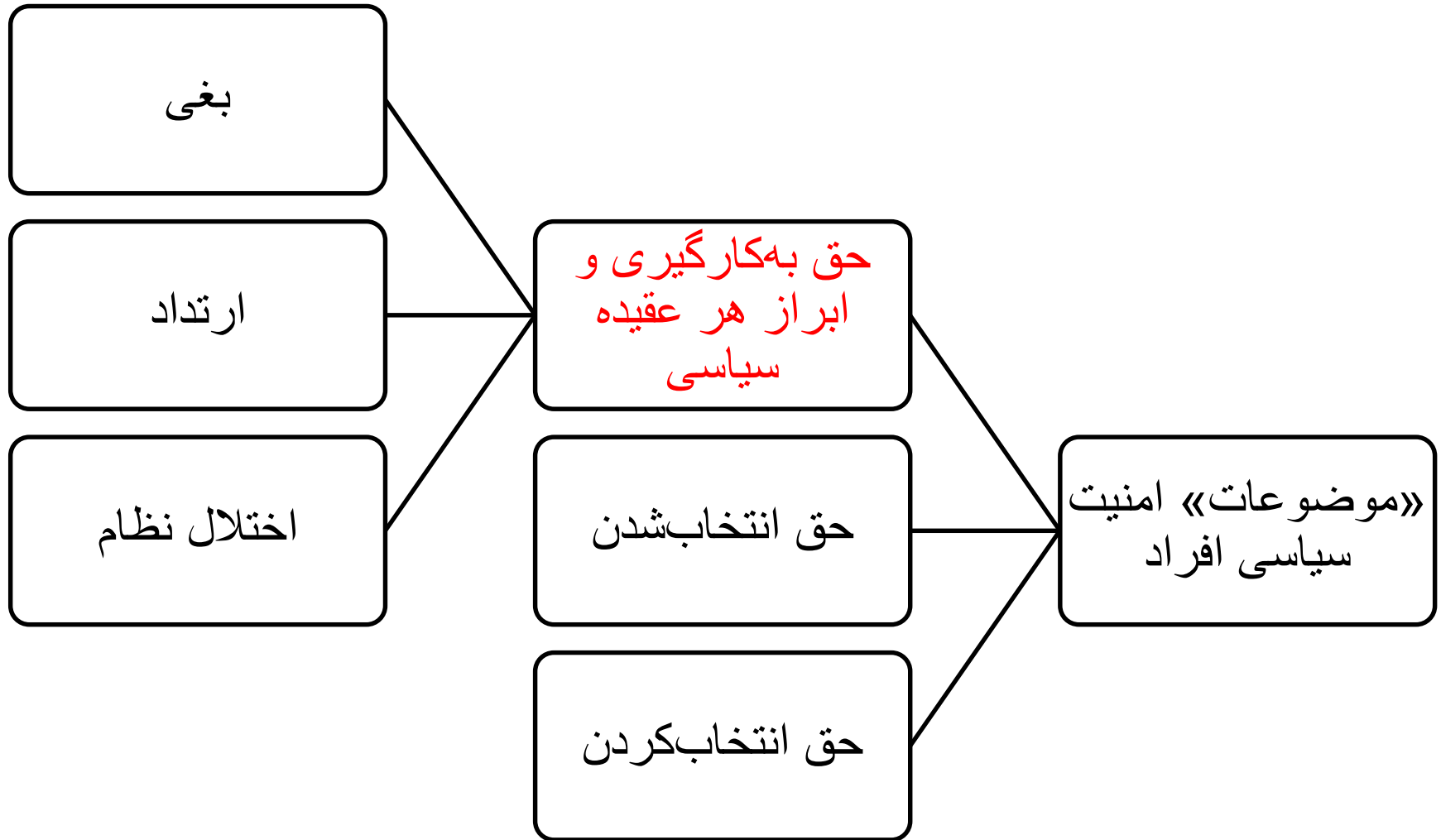


حق یک مبنا است نه یک هدف

• بنا بر این امنیت سیاسی افراد به  
معنای حق به و به معنای صیانت از  
حق به هدف عدالت در مکتب  
سیاسی اسلام باز می گردد و هدفی  
در عرض عدالت نیست.



# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



لَا إِخْرَآهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ  
 مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ  
 يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ  
 الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ  
 عَلِيمٌ

## دو معنای بغی

- « بغی » در اسلام، در دو معنای عمده به کار می رود؛
- یکی به معنای اختلاف و جنگ میان دو گروه از مسلمانان که در سوره حجرات به آن اشاره شده است
- و دیگری معنایی که با توجه به جمله مشهور پیامبر اکرم [?] درباره عمار یاسر: «تقتلک الفئة الباغية» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۲) به معنای خروج بر حاکم اسلامی است. بغی در معنای دوم را جرم سیاسی دانسته اند

فَإِنْ طَافِقَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَبَلُوا  
 فَاصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ **بَغَتْ** إِحْدَاهُمَا  
 عَلَى الْأُخْرَى فَاقْتَبَلُوا النَّبِيَّ **تَبْغِي**  
 حَتَّى تَنْصِبَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ

- كتاب الباغي
- مسألة ١ [الباغي معناه و حكمه]
- الباغي: من خرج على إمام عادل، و قاتله، و منع تسليم الحق اليه، و هو اسم ذم. و في أصحابنا من يقول: انه كافر «١». و وافقنا على أنه اسم ذم جماعة من العلماء المعتزلة بأسرهم، و يسمونهم فساقا، و كذلك جماعة من أصحاب أبي حنيفة و الشافعي «٢».
- و قال أبو حنيفة: هم فساق على وجه التدين «٣»

## یک اشتباه یا مغالطه

- اینکه جناب شیخ طوسی رحمه الله علیه می فرماید:  
شخص باغی کافر است، مبتنی بر اشتباه یا مغالطه دو  
معنا از امامت است.
- باید توجه داشت که لفظ امام در ادبیات فقهی و روایی  
ما به دو معنا به کار رفته است:

## یک اشتباه یا مغالطه

- یکی امامت به عنوان یک مقام معنوی که امتداد نبوت است و شخصی که صاحب این مقام است از علم الهی و عصمت برخوردار است
- دوم امامت به معنای رهبری اجتماعی و سیاسی

## یک اشتباه یا مغالطه

- از نظر شیعه زمانی که امام به معنای اول حاضر است شخص دیگری نمی‌تواند امام به معنای دوم باشد.
- از نظر شیعه در هر زمان فقط یک امام به معنای دوم وجود دارد هرچند ممکن است چند امام به معنای اول موجود باشند؛ مثلاً در زمان علی بن ابی طالب علیه السلام ایشان امام به معنای دوم بودند، در حالی که ایشان و دو فرزندشان حسن و حسین علیهم السلام همگی امام به معنای اول بودند.



## یک اشتباه یا مغالطه

- آنچه ملاک شیعی بودن است اعتقاد به امامت به معنای اول است و آنچه ملاک **بغی** محسوب می‌شود قیام مسلحانه بر علیه امام به معنای دوم است.

## یک اشتباه یا مغالطه

- بنابراین شخص باغی اگر قبل از **بغی** اعتقاد به امامت به معنای اول نداشته، در همان زمان شیعه نبوده است و بعد از **بغی** نیز شیعه نیست و اگر اعتقاد به امامت به معنای اول داشته، شیعه بوده و بعد از **بغی** هم همچنان شیعه است مگر اینکه اعتقاد به امامت به معنای اول را در هنگام **بغی** از دست داده باشد.

- از آنجا که دلیل اصلی در موضوع **بغی** همان آیه شریفه است و از آنجا که آیه شریفه به موضوع اقتتال اشاره می‌کند که به معنای درگیری مسلحانه است، **بغی** فقط بر کسی اطلاق می‌شود که اقدام مسلحانه نماید.

## جمع بندی بحث بغی

- از آیه شریفه و روایات مربوط به موضوع **بغی** و از مجموع آنچه در باب **بغی** و باغی در کتب فقهی دیده می‌شود، به دست می‌آید که مورد اصلی این مسئله جنگ جمل است و با توجه به خصوصیات این جنگ آشکار است که باغی کسی است که بر علیه امام عادل قیام مسلحانه انجام دهد و به تعبیر قرآن دست به اقتتال یا قتال بزند.

## جمع بندی بحث بغی

- بنابراین شکل های دیگر مخالفت با امام عادل از قبیل ابراز بیانی یا تشکیل جلسات عمومی و یا تظاهرات، ظاهراً در زمره بغی محسوب نمی شود.

- از طرف دیگر در قرآن تنها مجازات باغی قتال او تا رجوع به حق، بیان شده است.
- در روایات بین باغی که دسته و گروهی دارد و می‌تواند دوباره تجهیز شود و غیر او یعنی کسی که چنین دسته و گروهی ندارد و نمی‌تواند دوباره تجهیز شود، تفکیک قائل شده‌اند که اگر از میدان جنگ فرار کنند، یا مجروح شوند، یا به اسارت درآیند، اولی محکوم به مرگ است و دومی نیست.

## جمع بندی بحث بغی

- اگر شخص باغی دست از بغی برداشت و دارودسته ای نداشت، ظاهر ادله این است که حق پیگرد قانونی نسبت به او وجود ندارد.

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 4. محدودیت دوم با عنوان «ارتداد»
- همان‌گونه که بیان شد، یکی از وجوه امنیت / آزادی سیاسی افراد، امنیت در به‌کارگیری و ابراز عقاید سیاسی است و این امنیت / آزادی فقط در سه مورد تحدید شده، به رسمیت شناخته نشده است.



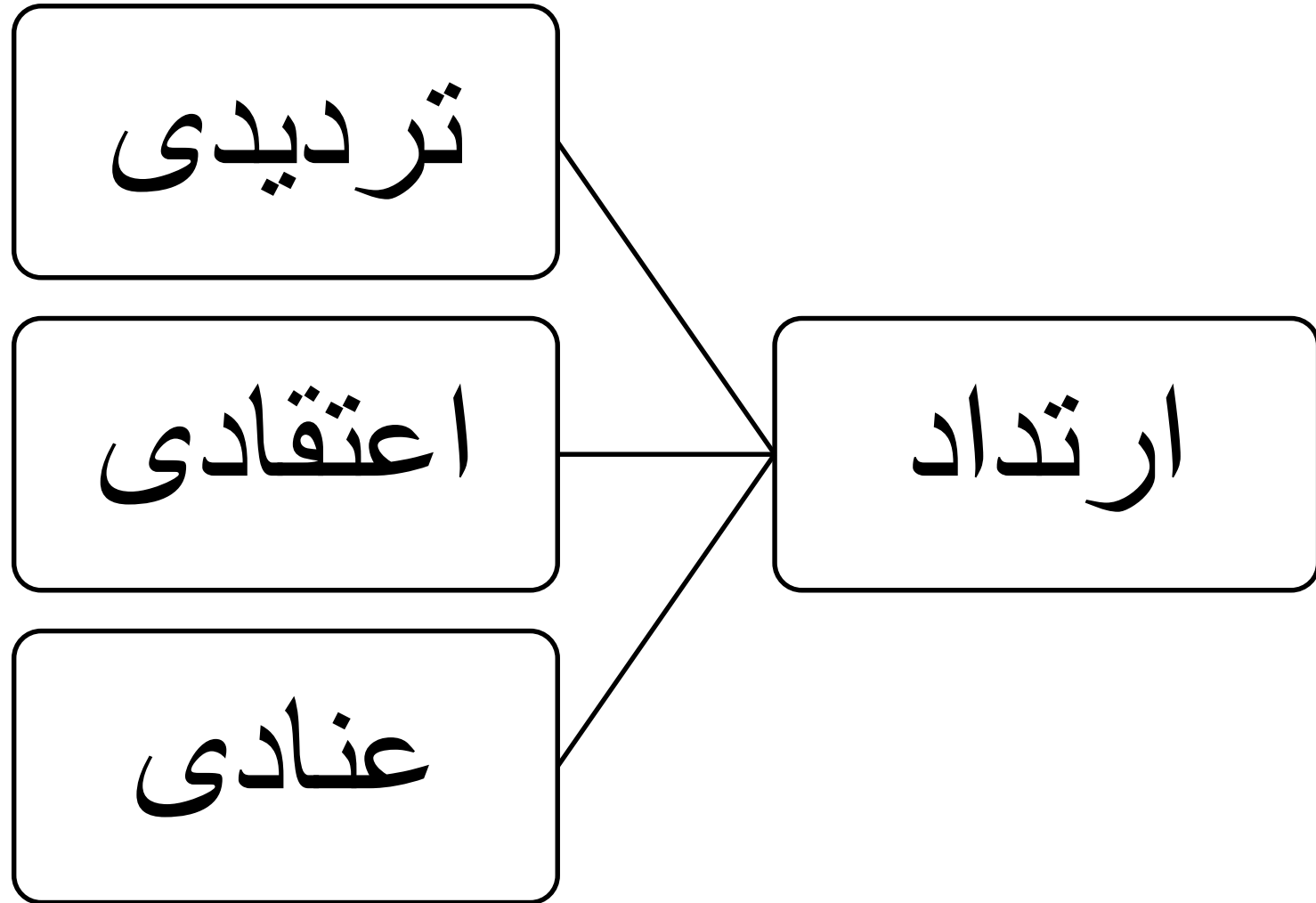
## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- مورد اول در جایی است که فرد یا گروهی، ضمن عدم تعرض به اصل و اساس حکومت اسلامی، صرفاً به مناقشه در شخص حاکم جامعه اسلامی می‌پردازند و وی را شخصی فاقد صلاحیت و مشروعیت برای اداره جامعه اسلامی می‌دانند. در این حالت، چنانچه این افراد بر امام عادل «خروج» کنند و حائز شرایطی باشند، به موجب آموزه «بغی»، دیگر امنیتی نخواهند داشت و با آنها مقابله خواهد شد.

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما محدودیت دوم در جایی است که فرد، نه با شخص حاکم جامعه اسلامی، بلکه با مبنا و عنصر معنوی حاکمیت در جامعه اسلامی که همان اسلام است، عناد می‌ورزد و بر خلاف این شالوده می‌اندیشد، عقیده می‌یابد و عقیده خود را ابراز و تبلیغ می‌کند. در چنین مواردی نیز امنیت / آزادی فرد به گونه مطلق مورد پذیرش نیست و با آموزه «ارتداد»، مورد تحدید قرار گرفته است.

# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- با توجه به نظر فقها، برای ارتداد سه معنا قابل تصور می‌باشد: «ارتداد تردیدی»، «ارتداد اعتقادی» و «ارتداد عنادی». در معنای «تردیدی»، فرد به صرف تردید در عقایدش، مرتد تلقی شده است:
- و لافرق من آن تكون الرده بإعتقاد ما یوجب الکفر أو بشکه فیہ (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳).

- و لا فرق بين أن تكون الردة باعتماد ما يوجب الكفر أو بشكك فيه «٢»
- (٢). هكذا في «أ»، و لكن في «ب»: أو بشكك فيما يكفر بالشك فيه.

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- و يتحقق بالبينه عليه ولو في وقت مترقب أو التردد فيه (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۰۰).
- ترتب الإرتداد على نقض الإسلام بإنكار أو جحود أو نفاق أو شك أو عناد (كاشف الغطا، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸).

• و حيث كان الإسلام عبارة عن الاعتقاد بمضمون كلمتي الشهادة، و هي: «أشهد أن لا إله إلا الله، و محمداً رسول الله»، أو مع قولهما، و كان مقتضى ذلك الاعتراف بجميع ما جاء به النبي صلى الله عليه و آله و سلم و ثبت عنه ضرورة، ترتب الارتداد على نقض الإسلام بإنكار، أو جحود، أو نفاق، أو شك، أو عناد.